

جای ادار و کتبا  
سر دبیر سر غلامحسین کتبی  
مکاتبات و مکاتیب  
بعنوان میل باشد  
فومن . جنگل  
در راه چهار نره طبع و توزیع خواهد  
کتاب نمره هفت شاهی

# بگفتگفت

۱۳۳۵

تخصیص اجرت لایحه و اعلانات  
خصوصی با دفتر ادار است  
مکاتیب بدون امضا  
و عنوان پذیرفته نشود  
و جانشینان بعد از ترخیص در وقت  
قیمت اشراک  
بکمال ۵۰ تومان

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

## مدیر مسئول حسین کیمانی

### قول را فعل لازم است

البته فارین عظام ما در نظر دارند که در شهادت  
اول این جریده پس از ملاقات نمایندگان  
اتحاد اسلام با نمایندگان کینه کار بیزون و  
صاحب منصب قوشون دکر اسی رودیه  
دگنیا زجر جازده، در فومن و وعده های مساعدی  
که داده بودند در خواست فعلیت نموده منظور  
شدیم که وفا بعهده خود نمایند.

مع التامف آنهمه مواجید صمیمانه انعکاس  
دیگری پیدا کرده بجای تقویت و ایفای عهد و تکلیف  
ایران و غیره  
ارومیه آتش گرفت، قزوین بپارفت  
همدان غارت شد اغلب نقاط ایران بمعرض  
چاپول درآمد قوشون تخته درود روس که  
بایک حواریت جبروت آور ایرانیان را مرت  
باده اجوت نموده بودند بنامی محبت را سنگ  
غارگری و اذیت مشکته تقه القاد ما لمرم

زندگانی یک ملت مردم پریشان بهت زده  
ناج که دند انجام آرزای دوره تراری را در  
عین اظهار برادری در دفتر بدبختی بی عاره  
ایرانی ثبت نمودند بعد از آنکه امتد با نظار با  
دل خوشی با مصادف با یک دنیا پدیس شد  
ملفت شدیم که هر چه با گنشد فقط قول بود  
بدون فعل در مالیکه

### قول را فعل لازم است

گفتیم قوشون اراد دولت روس خلاف  
پسپلین نظامی حرکتی کرده یا خود سری نموده  
اند جاہل و بی تربیت در هر قومی وجود دارد  
ولی سیاستون و زمانداران فعلی دولت روس  
مطابق پرگرام و اعلانات رسمی خود تمام  
دنیا بنیان حکومت روسیه را بتسلک  
دموکراسی و ترک رویه جهانگیری حکومت  
سابقه و حمایت اقوام ضعیف و محافظت مل  
مظلومه نهاده عقرب باضاد جبران حمایت  
دوره تراری استعمارهای اخیر

قون افارگشته خود خاتمه داده تخلیه ایران  
و حکیم سانی اخوت و التیام جریجه قلوب ستمگان  
ایرانی گذرات قلبی همه را مرتفع و غالب خاست  
صمیمانه ملت ایرانیه شوند.

افسوس ناسن آرزوهای ما میل مکر و بد هم سهل  
است زادن فی الظنور نغمه آخری یاد آوری  
باتفاق دولت حق کس انگلیس برای درخوا  
حقوق کمسیون مخلط موهوم دولت ایران  
مقدم داشته واضح نمودند که تمام همراهها  
و کلیه ملکها یکجه بران گذشته به دولت  
دلت ایران وعده دادند به اسامی عملی  
نداشته بلکه قول بود بدون عمل در صورتیکه

قول را فعل لازم است

ملاقات اخیره صاحب منصب روس  
دردز بکلادوچ ، بانامه گان بنیت اتحاد اسلام  
در شماره نهم جنگل بعضی قارئین رسیدند ، پر  
واضح است این ملاقات نیز برای تشبیه  
مبانی و داد و دوستی اخوت بوده .  
متعاقب موعید این صاحب منصب محترم

باز می بینیم مجدداً قون از روسیه وارد  
و داخله ایران اعزام میشود هر روز فریاد استغاثه  
مظلومین قرون و بعد ان دولایات دیگر  
ایران گشت با نگر افاتین انداز گوشه های  
آشنا و بیگانه است متصل غارت و دگان  
ایرانی از مصداق امور برای رفع تعذبات نظامیان  
روسی استرحام میکنند ، لا یقطع ناله بیچارگان  
آواره از خانمان دلهای مستمعین را کیست  
بنا به باطلهای سر سر رسید وزیرای و مکرر

روس با نوبدهای گوناگونیکه از احزاب نظامیان  
روسیه با داده میشود متاسفانه بی مهم فشار  
نظامی و پلیسی روز افزون امتیازات  
شوم که در عیاب مجلس شورای ملی و بر خلاف  
رضای ملت ایران از چند نفر وزیرای خائن  
گرفته شد مجوسی شده ، بعضی جهت قون  
بر عده آنها میفرایند و بیاد و دانت جدید  
جدید احیای استقلال را راتند به میکنند  
گویا اصلاً در مقام دوستی عمل را لازم ندانند  
قول تنها را کافی میدانند در حالتیکه :

قول را فعل لازم است

در عوالم و داد و درایت کجی مقتضی نمیدانم  
که برده تراکت را بالا زده ای با واقعات  
ناگفتنی را بگویم و جمع حوادث جاریه را با جز  
ئیات آن مطرح نمایم زیرا همه وقت تسلیم  
داشته ایم که ملت روس نجیب و نبت  
بایران همه وقت صمیمت و صداقت ظاهر  
نموده و مینمایند لیکن در رفتار متخذه فعلیه حکومت  
و مکرر اسبی روس بعضی کیفیات پرازد اسرار  
تظاهر نموده و برخی معاملاً از روزنه آوز و ای  
ویلو ماسی عرض اندام مینماید که نه ایرانیان فقط  
بروز چنین مرموزاتی هستند و نه خاصه صالحه  
حریت پرور روسیه را ضی شوند غلبت  
من که جنگلی وی بهره از اطلاعات بیاسیه  
هستم باید اعتراف کنم که از مثل این معما عاجزم  
بقیبا وطن پرستان حساس و عالم روسیه  
که از همه چیز آگاهند خواهند باغشای این راز  
اقدام کرد و مثلاً گراف قونول سابق روس

شماره  
مقیم  
روس  
خارج  
انتخابی  
باد  
ایران  
افزوده  
ایرانیان  
قادر  
آذوقه  
بروز  
غار  
کمال  
خلا  
نیت  
بجهت  
گوناگون  
اجراء  
حق  
حزب  
آبادی  
معهده  
جیرت  
هین  
هین  
که  
بکمال  
بانظار

مقیم رشت با آنکه افعال ظالمانه خود که در بار مستده  
 روس نیز از او منصرف شد شعبه آسیائی وزارت  
 خارجه روسیه منصوب گشته اثرات یک همچو  
 انتحالی محتاج تشریح نیست .  
 با دو داشت راجع کمسیون مختلط موجود بود  
 ایران تقدیم شود منقل بعدة قشون در ایران  
 افزوده در این سال که خشکالی و نقصان در  
 ایرانیان رقت خیر است و تحصیل آذوقه خود  
 قادر نیستند با اینهمه نفقات عکریه در وسیله باید  
 آذوقه داده یعنی آخرین مقدار قوت یومیه خود  
 بزور سه نرزه و تهدید باید تسلیم دارند بعلاوه  
 غارتها و خرابیها چته پذیرائی از مسلمان محترم با  
 کمال حسرت باید از گرسنگی تلف شوند با همه  
 فلاکتهای موجوده که بر ملت روسیه نیز نازل  
 نیست و با اطلاع کاملی که از دسایس انگلیسها  
 بجهت بقای قشون روس در ایران و آزارهای  
 گوناگون آنها دارند و با بهر روی و صمیمیتی که از  
 اجراء و دیگر اسامی روسیه اظهار میشود و با اینکه  
 حس کرده اند که بقای قشون در این مملکت  
 حزاب باعث ضرر و خسارت بخود و خرابی بقیه  
 آبادی ایران خواهد شد و منجمد را انگلیس میرد  
 معیند و احتیاج این فلاکت اقدامی نشود و جای  
 حیرت است .  
 همین پیچ و خمها ، همین ترقیات غیر منظره  
 همین حوادث جاریه بلاشبه با حق میدهد  
 که اقوال دوستانه برادران حریت پرور خود را  
 با کمال معذرت تحت نظر دقت آورده و  
 با نظار عمل باقی بمانیم و بگوئیم که قول تنها مکنی

نیت زیرا که  
**قول را فعل لازم است**

ما از روسیه آزاد چه انتظار داریم ؟  
 ما منظریم روسیه آزاد زباده بر این التاجری  
 انگلیس شده ایر از از عی کر خود شکلیه نماید .  
 ما منظریم روسیه دموکراسی ما را از طرف  
 شمال آسوده گشته تا افکار و اعمال غاصر  
 فعال با بر فض مدخلات حق شکنانه انگلیس  
 مصروف شود .  
 ما منظریم روسیه متحد و بعلاوه اینکه موجبه  
 باین نکته بوده که در سوق قشون ایران بدو  
 دارای منفعتی نخواهند بود بالعکس فوائدش  
 بتمامه عاید بر بیانیهای مکار میشود باین مسئله  
 نیز توجه نمایند که بقای قشون روس با ضایع  
 خرابیهای دیگر تعجب و غلامی موجوده افزوده  
 هزار بار در دمایک مستی آنان مطاول همین میان  
 براد رفت از گرسنگی تلف خواهند شد .  
 ما منظریم روسیه آزاد بر جهت قشون خود  
 ما را از یکطرف راحت نموده که تا انگلیس کجالت  
 سوء خود در جنوب کاملاً موفق نشده قادر بکلونتری  
 و دفع تجاوزات او شویم .  
 ما منظریم روسیه آزاد با لغای ایستادت مشونه  
 قدیمه و جدیده و تجدید نظر در مواد مضرت معایبه  
 سابقه و لاحق و ابطال آنچه تا نیر که ماحی استعلال  
 ما است بلکه بمساعدههای عملی ما را معادنت  
 کرده تا نگذاریم انگلیس ایر از ما نماید سایر  
 قطعات مستملکه خود بر بنجر اسارت مقید نماید .  
 بالاخره ما منظریم که روسیه آزاد عجالتاً بریم

خوابها یکدیگر قدما و جدید از قشون و دولت روسیه با وارد شد اقدام نموده و بقول آنها در دوستی اکتفا ننماید بلکه با عمل ابراز دوستی

کند زیرا در همه حال :  
**قول را فعل لازم است**

با یک دنیا احساسات آمیخته با محبت قلبی نمکوار از اتمام عملیات دموکراسی و تجدید پروان شرافتمند روسیه که در همه حال چو نظرشان حفظ استقلال ایران و حمایت ملل مظلومه است تقدیر میکنیم و میدانیم که تا چه پایه امور و مشکلات حیرت انگیز مصادف هستند ولی چکنیم که دیگر طاقت تحمل و توانایی صبر نمانده است و تروت، تجارت، امنیت و همه لوازم زندگی برای توقف قشون همسایگان در ایران معدوم شد سهل است فحشی همه را تهدید بهلاکت می نماید و دولت انگلیس نیز موقع را منقسم دانسته دست و پای ابرایان را بیغای قشون روس مقید کرده و در کمال سرعت مشغول اجرائی نقشه و خیالات سود خود می باشد.

واضح تر بگویم : دموکراسی روسیه اگر در این خیال باشد که بعد از موفقیت باصلاحت داخلی خود و ختام حربین عالم نوز جنگ بین المللی ما بر دازد و دیگر ایران باقی نماند و هر مقداری هم که باقی ماند با تسلطی که انگلیس در ایران چسبیده باید به بقیه نیز فاشه بخوانیم در این صورت تکلیف دموکراسی روسیه درباره ما چیست و از او چه خواهیم؟

یک حرف حساب یک کلمه مطابق عدل و انصاف و یک حق مشروعی که همه مضمنین عالم با تصدیق نمایند ما را بجا و گذارند بیطرفی ما را محترم شمارند .  
خیلی بعید است که بگوئیم دولت آزاد روسی ضامن جنایات دربار ظالمه تزاری است لیکن ترمیم خوابهای آن دوره منحوسه و جلوگیری از خوابهای فغلیه را که هنوز دامنه اش در ایران امتداد دارد و یقیناً در عالم دوستی باید عهد دار شوند .

دولت روسیه هر قدر بقای قشون خود را در ایران تعجب کند فقط نفاذ انگلیس و خسارت روس و خرابی ایران کمک کرده پس در این حالت تکلیف چیست همان فرازیکه قبلاً ذکر شد : مساعدت و صمیمیت و تطابق قول با فعل زیرا در همه وقت :  
**قول را فعل لازم است**

آیا دموکراسی روس از نیات انگلیس بخرند؟ آیا صمیمیت جدیدی در آنها متقد شدند؟ آیا پرگرام عملی انگلستان محور روسیه بالنتجه بلیغ تمام کشور آسیانیت ؟  
آیا باز هم در سایه بر بیانیای خوش گش در حجاب غفلت و جهالت همه ما باید مستور باشد ؟  
دولت انگلیس در بار مستبده روسیه ابروی خیالات خود در ایران قرار داده این ترتیب روسیه را مغرور بر انبان و خود را محبوب و دوست جلوه گر ساخته فایده عاید او نفرت و وبال

شماره  
برای روس  
با اینک  
و عامی  
برستانی  
و موکراسی  
در دربار  
انگلیس  
ایرانیا  
باصلاحت  
این توفیق  
خوب  
از آن  
خارج  
بگذرد  
باید از  
بمقداری  
در کشف  
نموده  
تقاضای  
ایران  
ما را معاد  
دست  
شما و کلا  
بعملیات  
که هر حال  
است  
ق

مکتوب شهری

بی حسنی تالی

جلب نفع و دفع ضرر نه تنها از محققات انسان است بلکه حیوانات نیز واجدین و دینا الهیهند عجاایر ایران امروز بقدر حیوانات این صفت طبیعی بهره نداریم.

نمیگویم امروز همان احساسات و غیرت و افت و تکامل و سایر چیزهایی را که اقوام سیره دارند باید دارا باشیم مسلم است علم میخواهد مرتبی میخواهد امت میخواهد بالاخره همه چیز میخواهد این هم چون تحصیلش باستانی ممکن نیست یا وقت لازم دارد فعلاً از ذکرش میگذریم لیکن چیزی را که هر موقع اراده کنیم ممکن است بموقع اجرا بگذاریم یک مطلب خیلی آسان و یک کار بسیار ساده است آن:

جلب نفع و دفع ضرر است

انتیارات مشومه قدیمه و یا امتیازاتی را که یکی وزیر میرف از موقع بحران ایران استفاده نموده بنحوشتاریا و امثال آن داده اند لغو کردن بقول ... محکمه با صلاحیت یا مذاکرات دیپلوماسی میخواهد حرفی نداریم، اما مسافرت و حمل البهاره با خط آهن سر بازار با کرایه کراف و کور کور است بیشتر کار آنان شدن و با کمال شتاب عمده آخرین وینار از بقایای رثوت ملی را بکلیت خنثی که برخلاف قوانین جاریه ملکی سوجه امتیازی گرفته برینجن آبا مربوط به مذاکرات دیپلوماسی است؟

یا راجع بحسن و غیرت انالی؟

در این صورت نباید گفت که از حیوان بدتریم؟ زیرا:

جلب نفع و دفع ضرر است

برای روسیه ماند. با اینکه حقایق باز از مکشوف گشته عارف و عامی میگویند که سبب تدویر و ریاکاری بریتانی روی آب افتاده عجاایر هم حکومت و موکراسی روسیه مثل دربار مستبده قدیمه در دریای نیرنگ او حجاب وار سرگردان است انگلیس بخوبی دانسته که با وجود نظامیان روس ایرانیا ن بجهاتی که بر همه واضح است قادر با اصلاحات نخواهند بود باین جهت اوامد این توقف را هر قسمتی است فراهم کرده تا ملیس جنوب را موافق نقشه و آزر روی خود انجام نرسد از آن بهتر ترینی که ممکن است قشون روسیه را خارج و ایران را از مضمم رابع بگذرانند.

بگذری که اطلاعات ناقصه ما اقصا کند باز از آنکه معلومات محدود و نادانماند و بمقداری که ورق پاره گنجایش داشته باشد در کشف حقیقت امور و دسائس انگلیسها اقدام نموده بایک عالم امید از موکراسی روس تقاضا میکنیم که با توضیح نیات انگلیسها در ایران تجلیه قشون خود و لبراز مودت ما را معاودت نمایند که بتوانیم تا فرصت از دست زفته سستی مقابل سبیلهای ملیت شجاذ کارانه دولت انگلیس کشیده باشیم باین جهت بطبیات صمیمانه ما را از انتظار رها نمید و بدانند که بهر حال دوستی قوی کافی نیست عمل شرط

قول را فعل لازم است

- اتقی -

حیوان فحیده و ما بی بهره ایم !  
 خوشناریا امتیاز راه آهن برابر از محمد نیکان  
 تنگابنی سپهسالار سپاه عارت مملکت گرفت  
 دلخوش شدیم هر امتیازی که بدون تصویب  
 مجلس شورای ملی گرفته شود با معذرت آقایان  
 محترم، عاقل و باطل و از درجه اعتبار ساقط و در  
 نزد انسانی شرع انور غیر مسموع خواهد بود و عجز  
 ملت بیدار شده از دولت عاده مشروطه  
 مرحوم را خواستگار دولت هم امر با نجات  
 نموده دارالشورای کبری تشکیل و گامی این  
 دستور بکرتسی و کالت جالس بعد از محال  
 محال نیست غمخواری ملت را نموده ابطال این  
 امتیاز و سایر امتیازات را می میدهند البته  
 خوشناریا و امثال او خارج این قسمت بزرگ  
 منافع مملکتی عاید ملت خواهد شد !  
 اما حالیه که دارالشوری تشکیل شده با آرزوی  
 افتتاح آن که (آزاد بجانان محب نیست)  
 روز میگذرانیم در این مدت نباید بقدر ذره  
 حس ملی ظاهر نموده با این ماشین مسافرت  
 کمترین مال التجاره ندیم با زیر بار گرایه باین  
 گزافی نزدیم ؟  
 قدری با جانب بفرماییم که امتیازات غیر قانونی  
 قبول نداریم . آیا مجلس شورای ملی قسیم این  
 امر مخصوص با باید باشد ؟  
 و هنگام اسراف بند دست ما گرفته بفرود  
 ما تعلیم بدید که :  
 جلب نفع و دفع ضرر  
 حیوان هم داشته و شما بقدر حیوان هم میدانید !

کسانیکه بخار به مسافرت کرده اند یا راه آهن  
 شاه عبدالعظیم طهران را که آنهم مال اضیی است  
 دیده اند متبوقند که گرایه ماشین برای هر نفر  
 بازرده شاهی الی یکقوان و مال التجاره هم با  
 نازل حمل میشود  
 بدینجانه این خط هنوز کاملاً بکار نیفتاده بود  
 مردم بقدری سختی و حرص در سواری آن ظاهر  
 کرده که در اول امر از هر یک مسافرت یک  
 پنجران و نره دو سه توان گرفته اکنون هم  
 میگیرند عقیده داریم اگر یک تومان مطالبه  
 کنند میدهند ابد احسن نمیکند که نباید داد  
 و بجای کینه اجانب را نباید بر نمود !  
 صرف نظر از اینکه جمع کثیری از انبای وطن  
 بیکار با عایله خود گرسنه و بی نان مانده اند  
 مرد مراغم آن بیچارگان نیست ایام خود را  
 نباید بخرند ؟  
 برای نفع خودشان نباید حاضر شوند ؟  
 در حالتیکه :  
 جلب نفع و دفع ضرر  
 حیوان هم میدانند !  
 گرایه یک درشکه با پیژارارته تقریباً در  
 ممکن است با درشکه مسافرت نمودن و  
 از این راه گلی بمعاشش جمعی از بیچارگان  
 کردن و خود نیز بهره بردن مگر باعث آزداد  
 اجر و جلب نفع نیست یا چند روزی حرکت  
 با ماشین را موقوف داشتن تا گرایه را  
 کرده و مبلغ کلی صرف جماعت باشد ضرر  
 خواهد داشت ؟

مقرر بودیم  
 اسراف  
 شروع بجنگ  
 امی آقایان  
 خانه، که  
 مملکت  
 خطایای نا  
 قیامت  
 آخولام  
 بنا کرد  
 کار  
 خوشناری  
 آنوقت که  
 خواهد  
 حال که  
 جمع کثیری  
 فرار قطعی  
 نفع شاکت  
 ای کسانیکه  
 بی آنکه نصیب  
 بیکتونهاده  
 و سه قران  
 درشکه چی  
 رفیق آبا گرا  
 برای آنروز  
 چند روزی سا  
 نماید که این  
 قاطعی در آنچه

مظربودیم اهالی مملکت از خولامردک این منی و کت  
 اسراف بر ترانجات را نمایند تا ستان و دیدیم تجار  
 شروع بجل مال التجاره نموده اند!  
 امی آقاییان تجار که بجای تاسیس شرکتها با گنجا کار  
 خانه، کپا پنهان و سایر امور که باعث از زیاده بردن  
 مملکت است دلال خارج شده بعلاوه هزاران  
 خطایای ناکهشی و غیر قابل جبران با یک رویه  
 قیامت آور حتی قوت اهالی را بخارج محل کرده  
 آخولامر خودتان دچار خسارت و مردم را بخت  
 بتلا کرده و بازم متولید محض رضای خدا در این  
 کار قدری متنبه شوید فردا که محل ستاع منحصر با و  
 خوشتر باشد و سایل نقلیه محلی از میان رفت  
 آنوقت گرایه را به برزانی ترقی دهد چه علاجی  
 خواهید داشت؟

حال که مصقم چنین اقدامی شده که گنگی و بکاری  
 جمع گیری از انجای وطن را اجتناب نیندید اظهار  
 فرار قطعی در گرایه داده که ضرر یک جمعی است بقتل  
 نفع شما گشته بیجا مانان بصدوق بگایه نرود!  
 ای کسیکه با این ماشین بگرایه گزاف مسافرت نمود  
 بی آنکه بصید چه میکنید قدری غفلت و محمی را  
 بکنونهاده تلفت شود امروز در اول کار بخران  
 و نه قران از بر نفی گرایه میگردد بعد از یکسال که دیده  
 و شکست می آید بد بخت برای ضرر و خسارت این  
 رفیق آبا گرایه را دوستی نخواهند نمود!

برای آنروز چه علاجی اندیشه نمودید؟  
 چند روزی مسافرت با ماشین را متروک کرده و مش  
 نمائید که این راه را رز شده تا گرایه را از ران و زار  
 قاطعی در انخصوص ندینند.

ایا این سلسلی که بجا دارد خوشتر یا بدید برای که ام یک از  
 تاسیسات خیریه شما بدو نخواهد خورد؟  
 اگر تاسیسات خیریه مثل همه وقت راغب نباشید آیا افتاد گرایه  
 خود نمائید ضرر خواهد بود و مقیم منلی وطن نصایح را قبول  
 کنید بفرستید

ادویات کیسکی

ای کبک مردن و بریزید طبل منته دار سر  
 وقت رفتی بلا شو خندان بشیدی کار سر  
 مناصف مرا بعد بجهت کجه بخور و بی  
 غوامت ندایی مایه بانوی بار منته  
 باغ زرش نداری پای چشم نداری  
 خانه سر خرابیه فالون و با طار منته  
 کاشتن و پیش کاوون زون نزر بجا و کون  
 قوت کر کردن خوانیه نوک پاشیه بجا سر  
 یاست کون چه مشکله و بین دوباره تحت تر  
 قربان بشم بیکاریه قنوه خانه بازار سر  
 ایسه بجا روزه تو ارباب غومت فاکره  
 قرضیه بر ذریه کینه بر ساعت پاکار سر  
 ارباب اگر دارینسند اجاره نامه تا بعد  
 عاشا کتم بدین بیره که نشسته بود در سر  
 هزار دینت زنی برنج از دونهی شتر من  
 شاه کینه فاکر کینه از باب کوه کار سر  
 سرور و نابکار با مو آینه ارباب برار با مو  
 آینه ملک درار با مو خاک به آخور برار سر  
 آزادی در میان با مو کله و پسته جوی  
 کسی نشانی زور کون کور بشو سر و سر  
 آوی و طایح اچی گوتم تو مینه کینه کسی گو  
 لا بالش کرفوج به تن لبثت دارم در سر  
 امشب خردوس خوانیه و بریز بار کینه شتر من  
 بید بترسته که خدا کینا ایسا یم کنار سر  
 فده خیزد برین زینت جویم و شرم  
 رخت بفرودن کجه شرم نی ای سر  
 هر چه بگفتم سر سر صبا مو را سر  
 شایو کب نظیره ک کوش نشین زار سر

واقعات ارویل

مدین هفت اجازاتی منی بر خدات شایان تجید آقای مصطفی خان  
 نمائید و محرم فیت اتحاد اسلام داده رسید برای منی منجات روز  
 در جشن انجرات آینه موکول نموده و ملت گزینهای مصطفی خان را

چرخند پرند  
فضایح داخله  
پرودت

عده از مسلمانان جنوب ایران به یوردیان انگلستان پرت نمودند که  
طلبه و جویدنی ایران پس شدن در خود مجبور نمودیم تا چارسا بگیری  
خصوصی با اقیانوس میوزیم در صورتیکه تمام ملل عالم برای حفظ مندر و توسعه  
جهانگیری انگلیس مقروضند که گاهی برستند

تعهد

جهت فدا برای اینکه قابل خود به هیچ طرف خطوف نماند که مورد طعن  
جوابه واقع گردد متعهد شد تا ترابع... و... در تعلق نشود تا تمام هیچ اثری  
نماند سعی گنبد که این سلامت بر کنایت و اینجا خلوت در میان

قافله قایق جنوب

یک قافله مرکب از آه و ناله و استغاثه یک مشت فربس سید درس گریز  
و در آن از تعذبات انگلیسها و نوکر و نادانان سرار نصرت مجلس مبدل  
انگاه لوط بخواسان و از خراسان بر روستیه و از روستیه به بحر خزر و از آن  
پیاور شده و از آنراقی بعضای جنگل سر بزرگ شده این آه و ناله های آتشین  
از بس راه دور پیوسته مثل گار خنده کنند که نغمه های حساس بر آنگاه  
بکنند هوای لطیف جنگل را متهم نموده خوب است بیست دولت برای  
اینکه بسای تحت دره و گنبد این طرف و شوارع را هم در لطفیه گذرانند  
چنانکه انگلیسها ملگراف و پست را برای نظم اهالی مانور کرده اند

قیمت مناس

هر روز منتهای جرایم روسیه اخبارات متقدمان اقتصاد می انگلستان  
مناس با بدقیمت بطولات باشد پس در ایران متقی در جبهه ترقی است

سوء نظرها

خودهای ایرانی در روسیه از کار اقیانوس نیابند و بیچاره ای بکنند  
منی تو اینم کار کنیم زیرا اگر سنه ایم در جبهه ادو خوب است فرا  
حزارت انگلیس در طهران گنبد بر میکند که بنده در تصرف است

سیادت می خواهد

او اولما سون : بو اولسون (حالا که نه شیره بده)  
دولت فخره انگلیس که در جنگ کنونی مقابل تحت البحرهای چری  
تای مقاومت نیارده و سیادت بحری را رکف داده است تقصیر  
نموده که سیادت برمی (آرزو بچو انان عیب نیست) تعقیب نامه  
بجد و سایر همایگان که قادر به تخطی نیست زیرا همه گویا مثل تحت  
البحری خطرناک هستند تا چار تو سینه خیالش اینجوب ایران معطوف  
کرده تا در موقع مغایرت تا یمنی و جوار فبانی اقل ازین راه  
سیادتی دارا باشد بحری نشد برمی باشد حالا که نه شیره بده

(عنه به حامی ملل ضعیف طرفدار دول صغیره)

عصاره اطلاعات خارجه

یک جواب راست

از روز پرسیدند سقوط ریکار چه شد بدون تردید آرزو دادید  
جواب داد چون اثری از آثار انگلیس در آنجا نبود

راست تر

سوال کردند که انگلیس با متفقین شرکت ندارد جواب داد  
با نفع شرکت است نه ضرر

خسارت تاریخی

در جلسه فوق العاده مجلس معونان انگلیس متر لکویه ژرژ میکوبه کلته  
بنیاد تاریخی ژرمن باید از جهان گم نمود که برای حفظ حیات خود  
مقابل حرص و آز جهانگیری بریطانیا اقدام بکنند نمودند

موافق تاریخ ژرمانی با در اصل کرمانی بودند و اما نهایی امروزه شانها را  
کرمان هستند که مهاجرت بان نقطه کردند لکن دولت انگلیس  
قلع این ماده را به تسکیلات پلیس جنوب و جبهه خویش قرار داد  
تقسیم نمودند برای خاتمه دادن بجنگ کنونی اول کرمان را که  
منع تولید ژرمنی و سبب فساد تاریخی است محو نموده با در  
آب اسباب خونریزی فراهم نشود از قرار معلوم کلته  
جنوب از لغت کرمان میوز و هرگاه جهت آکادمی از  
و کسوزنا بهم دیگری بجهت کرمان استخراج کنند شاید کلته جنوب

محل در بخش راست فخره آقا جفر کجا محفوظ بماند

شماره  
جامی  
سرور  
ملکراف  
بغیر  
فخره  
براه چاره  
کنت  
این  
بکوب  
با خبر مید  
راست  
مردم  
وسعت  
فدا کار  
بقدری  
که هر ستم  
که محال  
مقتدر  
این چنین  
مغیبات  
مغض میا